

ماه آذر در راه و ۱۶ آذر در پیش، به استقبالش رویم

امیرجواهری لنگرودی
Amirjavaheri@yahoo.com

روز قدس و ۱۳ آبان هم آمد و گذشت. چشم انداز دیگرمان پاسداشت روخداهای تاریخی آذرماه و رویداد های آن است، جاده پُردست انداز تا اینجا هموار شده و می توان با همه توان به استقبال آذرماه رفت. تا همین جا و خاصه در ۱۳ آبان حضور میلیونی مردم در خیابان ها، نه تنها در کلان شهر تهران بلکه تا حدی در شبکه سراسری استان ها و شهرهای چندی از جمله: اصفهان - شیراز - تبریز - مشهد - کرمانشاه - قزوین - اهواز - کردستان - سیستان و خرم آباد - رشت - لاهیجان؟ گرگان؟ زاهدان - ارومیه - بروجرد - ایلام - شوشتر - همدان - بندرعباس؟ آبادان - و دیگر شهرها ... بشکلی توامان دختران و پسران، زنان و مردان، جوان و پیر، دانش آموز و دانشجو، استاد و معلم، پرستار و کارمند، بازاری مخالف نظام و کارگران و تهیدستان ایران با شوقی و افر به میدان آمده و نشان دادند که هنوز شور انقلابی در یکایک به میدان آمده گان زنده است و هر کدام شان نیز از تصمیم خود به برکناری حکومت کودتاچیان منصرف نگشته اند.

این رامی توان از لبه تیز شعارهایی دریافت که در سیزده آبان میلیون ها تن از مردمان ایران بر زبان ها آورده و هر کدام آنان با همه توان، شعار " مرگ بردیکتاتور " را از حلقوم خود جاری ساختند. طنین شعار: " ننگ ما ننگ ما / رهبر الدنگ ما " و همچنین درهم آمیزی شعارهای: " خامنه ایی قاتله / ولایتش باطله " یا " اینکه میگن، عادل/ قاتله، قاتله " و باتیتر کردن شعارخویش بر نفی ولایت بر زبان می آورند: " تجاوز، جنایت/ مرگ بر ولایت " همه و همه فشار خود را بقولی متوجه " عمود خیمه نظام " و دستگاه ولایت و شخص خامنه ای نموده و او را نشانه گیری کردند. هیچکس کوتاه نمی آمد. همه می دانستند چه می خواهند. اگر در سال ۵۷ بعد از فرار شاه مصمم به پائین کشیدن مجسمه های شاه شدند. در روز سیزده آبان بود که پرده بلند تصویری " رهبر " رابه پاهین کشیده و به زیرپایشان انداخته و رژه شادمانانه رفتند و کف زدند و هوار کشیدند و دیگر بار " مرگ بردیکتاتور " سردادند. این همه راجهانیان نیز از طریق یوتوپ و شبکه های تلویزیونی در سراسر جهان دیدند. در این روز مردمان ایران با سردادن شعار: " ای رهبر آزاده / خمینی چشم براته " خواهان این شدند که جسم زنده رهبر موجود (خامنه) ای را به رهبر مرده (خمینی) تحویل دهند و او را بسوی گورستان های ایران روانه سازند. علیرغم اعمال سانسور افسارگسیخته، امروزه دیگر مشکلی در انتقال اخبار و گزارشات نداریم و می توانیم به جرأت بگوییم که سانسور حکومتی درهم شکسته شده است. بطوری که علیرغم بستن راه های ارتباطی اینترنتی و اعمال انواع شیوه های سانسور گسترده، در عرض چند ساعت بیش از دهها و دهها فیلم خبری از تظاهرات روز قدس و ۱۳ آبان ۱۳۸۸ مخابره شد. همین را می توان جزء دستاوردهای تا کنونی مبارزات مردمی به حساب آورد. امروز درست در پهنه پیکار سراسری و رودر رو با کلیت نظام استبدادی حاکم و جنگ با آن، به طرف ماه آذر می رویم.

آذرماه هر سال در ایران را، ماه آتش و رودر رویی در برابر دیکتاتوری نیز می گویند. بی شک امسال یاد آوری و قضاوت در برابر وقوع حوادث بی شماری که در این ماه حادث گردید، برای آزادیخواهان ایرانی مضمونی دیگری یابد. از نظر تاریخی، ژرفای این رخدادها از آنچنان اهمیتی برخوردار است که روزمره گی حوادث را تا حد زیادی تحت الشعاع خود قرار می دهد. از جمله این رخدادها می توان از: جنبش ملی و دمکراتیک آذربایجان در تبریز طی سال های ۲۵ و ۲۴ و ۳۲ و جایگاه رهبری جعفر پیشه وری در این جنبش و شکست آن و کشتار بیشمار مردم خطه آذربایجان طی آن سال یاد کرد. همچنین جنبش دمکراتیک کردستان به رهبری قاضی محمد درمهاباد که همپای جنبش آذربایجان در خطه کردستان جای ویژه خود را بازی می کند. در همین رابطه می توان از ۲۶ آذر هر سال، روز پیشمرگه حزب دمکرات کردستان ایران یاد کرد. از سال ۱۳۳۲، روز ۱۶ آذر هر سال (روز دانشجو) قربانی قساوت دیکتاتوری شاه و هدیه اوبه نیکسون معاون رئیس جمهوری وقت آمریکا (آیزنهاور) که بعد از کودتا به ایران آمد تا بر آرمش گورستانی کشورمان ایران در سفرش نظاره کند و شاه ایران نیز با پهن کردن فرش

قرمزیه زیرپای نیکسون، ورودش را به دانشگاه تهران، خوش آمد گوید. دانشجویان دانشگاه با شعار متحدانه (اتحاد؟ مبارزه؟ پیروزی) سنگری جسورانه برای دفاع از منافع مردمان ایران را به پا داشتند و فرزندان اش همچون: بزرگ نیا- قندچی و رضوی، با خون خود و خواست آزادی و عدالت، در آن سال دانشگاه را به سنگر آزادی و تجلی ایستادگی و مقاومت در برابر دیکتاتوری ها بدل ساختند.

از اینرو ۱۶ آذر هر سال از آن سال تا به امروز تجلی اراده واحد دانشجویان ترقیخواه در ظرفیت جانبداری از نماینده گان احزاب- سازمان ها- گروه ها و گرایشات گوناگون با گرامیداشت ۱۶ آذر بمثابة یادمان سنت چپ به اعتراض برمیخیزند تا یاد آن جان های از دست رفته را گرامی بدارند. همینطور هر سال روز (۱۰ دسامبر) سالگرد صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۸ دسامبر سالگرد تصویب کنوانسیون رفع کلیه تبعیض علیه زنان، در مجمع عمومی سازمان ملل، سرانجام وقوع قتل های سیاسی موسوم به قتل های زنجیره ای در آذر ۱۳۷۷ که با کشتار فجیح و ضد انسانی پروانه اسکندری و داریوش فروهر در منزلشان، ربودن مجید شریف نویسنده، مترجم و فعال سیاسی دگراندیش، پس آنگاه محمد مختاری ربوده شد و جسدش را در تاریخ ۲۰ آذر در پزشکی قانونی شناسایی کردند. محمد جعفر پوپنده نیز در تاریخ ۱۸ آذر به قصد شرکت در جلسه ی ناشران از منزل خارج شده و دیگر بازنگشت. جسدش در روز ۱۹ دی در بیدامک شهریار توسط اهالی پیدا شد و چند روز بعد توسط خانواده اش در پزشکی قانونی شناسایی شد. ربودن مختاری و پوپنده و قتل آنان با انگیزه ایجاد هراس و دلهره در دل های یاران آنها و به تعطیلی کساندن کانون نویسندگان ایران شکل گرفت. ربودن پیروزدوانی و قتل دیگران نیز، هریک بمنظور ایجاد نوعی رعب و وحشت رژیم از وجود تک تک آنان و تعمیم هراس و نوعی دلهره در دل دیگر مخالفین خود بوده است. آنچه را که طی تمامی سال های سیاه حکومت خود کامگان برپهنه جغرافیای ایران می توان نشانه کرد، جدا از کشتار ماه آذر، ترور و کشتار دکتر کاظم سامی- احمد میرعلایی- ابراهیم زال زاده - علی اکبر سعیدی سیرجانی - دکتر شمس الدین امیرعلایی - دکتر غفار حسینی - دکتر احمد تفضلی - کشیش مهدی دباح - کشیش هایپیک هوسپیان مهر - حمید حاجی زاده و فرزندش کارون - سیامک سنجرى - فاطمه قائم مقامی - دکتر معصومه مصدق - دکتر محمد تقی زهتابی- دکتر جواد سرخوش - افشین شعبانیان قهرمان دوی مارتن در ۲۲ دی ۱۳۸۰ در رامسر به قتل رسید و بیشمارانی چند در کنار سلسله اعدام های گسترده کردستان - ترکمن صحرا - صیادان انزلی- کشتار دانشگاه- اعدام های سال ۶۰ و اعدام های وسیع سال ۱۳۶۷ و همچنین ترورهای پر شمار در خارج از مرزها، همه و همه نشانه بروز ترس و زیونی نظام از حضور مادی یکایک این مبارزان، صرف نظر از باور و اعتقادات یکایک آنان بوده است.

در آذر امسال چون سال های پیش فرزندان فروهرها (پرستو و آرش) همه آزادخواهان درون و برون کشور را فراخوانده اند که به یاد آریم که یازده سال پیش چگونه مادر و پدر آنها را شبانه، دزدانه و رندانه سلاخی کردند و در رفتند. علیرغم پیگیری تا به امروز فرزندان فروهرها در کنار خانواده مختاری و پوپنده، وکیل خانواده های این قربانیان (آقای ناصر زرافشان) با پرونده سازی همین حکومتگران، یعنی قاتلین فرزندان مردم ایرن، به ۵ سال زندان محکوم گردید و به زندان هم کشانده شد، اما هیچ یک از آمران و عاملان واقعی این سلسله جنایات و عوامل اصلی کشتار به پای میز محاکمه کشانده نشده اند. در آذر ماه امسال در برابر موج بالنده جنبش عمومی ضد استبدادی فراگیر که تا این لحظه هزینه گزافی را به بهای از دست دادن فرزندان بیشماری از مردم ایران را با خود داشته است تنها آنها همین یاد آوری ها، در کنار دیگر رویدادهای بر شمرده در آذر ماه خاصه جنبش اعتراضی سراسری دانشجویان در ۱۶ آذر امسال، گرامیداشت ۲ آذر جنبش ملی و دمکراتیک آذربایجان، هراسان آزادیخواه و مخالف دیکتاتوری و خفقان و طرفدار برابری و دمکراسی در ایران را به عکس العمل مسئولانه و می دارد. جا دارد ما نیز پرچم دادخواهی همه فرزندان کشورمان را با سازماندهی اعتراضات و اقدامات همه جانبه در برابر واژگونی کلیت این نظام ضد انسانی در درون و برون کشور برای امر دادخواهی همه جاباختگان راه آزادی و رهایی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی و محکومیت نفی اعدام بر افراشته نگه داریم.